

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دایرةالمعارف جنبش‌های دینی نوظهور

پیتر بی. کلارک

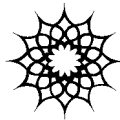
مقدمه و ترجمه از

هادی وکیلی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم خان زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۸۳۱۷۱۹۲

دائرة المعارف جنبش‌های دینی نوظهور

ویراستار: پیتر بی. کلارک

مقدمه و ترجمه از: هادی وکیلی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سید محمد حسین محمدی

ویراستاران صوری: سوده (سمیه) حجازی، ریحانه روزبهانی

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: گام اول

قیمت: ۴۵۵,۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

عنوان و نام پدیدآور: دائرة المعارف جنبش‌های دینی نوظهور [ویراستار] پیتر بی. کلارک؛ مقدمه و

ترجمه از هادی وکیلی؛ ویراستاران صوری سوده (سمیه) حجازی، ریحانه روزبهانی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۱۳۷ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۰۴-۹۴-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Encyclopedia of new religious movements, 2006.

یادداشت: نمایه.

موضوع: کیش‌ها -- دائرة المعارف‌ها

موضوع: Cults -- Encyclopedias

موضوع: ادیان -- دائرة المعارف‌ها

موضوع: Religions -- Encyclopedias

شناسه افزوده: کلارک، پیتر برنارد، ۱۹۴۰ - م.، ویراستار

شناسه افزوده: Clarke, Peter B. (Peter Bernard)

شناسه افزوده: وکیلی، هادی، ۱۳۴۲ -، مقدمه‌نویس، مترجم

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: BL۵۵۰

رده بندی دیویی: ۲۰۰/۳

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۷۶۰۰۹

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

فهرست

۷.....	مقدمه مترجم.....
۴۵.....	دایرةالمعارف جنبش های دینی نوظهور.....
۴۷.....	سخن ناشر.....
۴۷.....	درباره دایرةالمعارف جنبش های دینی نوظهور.....
۴۹.....	درآمد.....
۴۹.....	ادیان نوظهور به مثابه پدیده ای جهانی.....
۵۹.....	منابع و مآخذ درآمد.....
۶۱.....	طرز استفاده از این دایرةالمعارف.....
۶۹.....	فهرست مدخل ها.....
۹۹.....	مدخل ها.....
۹۹.....	A.....
۱۷۱.....	B.....
۲۱۴.....	C.....
۲۸۸.....	D.....
۳۰۹.....	E.....
۳۴۹.....	F.....
۳۷۵.....	G.....
۴۱۳.....	H.....
۴۵۸.....	I.....
۴۸۴.....	J.....
۴۹۵.....	K.....
۵۱۲.....	L.....
۵۶۹.....	M.....
۶۲۵.....	N.....
۶۷۶.....	O.....
۶۹۵.....	P.....
۷۲۳.....	Q.....
۷۲۵.....	R.....
۷۷۵.....	S.....
۸۶۱.....	T.....

فهرست ۶

۹۰۵.....	U
۹۲۴.....	V
۹۴۶.....	W
۹۶۹.....	Y
۹۷۹.....	Z
۹۹۳.....	نمایه

مقدمه مترجم

باتوجه به رشد فزاینده جنبش‌های دینی - معنوی نوظهور در جامعه ایران و علی‌رغم آسیب‌ها و تهدیدات جدی ناشی از روند نفوذ و تأثیر این جنبش‌ها در بافت مذهبی و بدنه سنتی اقشار مختلف جامعه ایران، به‌خصوص اقشار جوان و دانشجو، متأسفانه هنوز نه در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور چنان‌که باید و شاید به امر آموزش و پژوهش علمی و مبتنی بر منابع اصلی و یافته‌های میدانی اهتمامی شده و می‌شود و نه مراکز امنیتی و نهادهای به‌اصطلاح محافظ به این مهم توجه چندانی کرده و می‌کنند. این جانب حدود یک دهه است که هم به منحنی رشد و چگونگی تأثیر این جنبش‌ها در کشور با مراقبت می‌نگرم و هم به روند آموزش و پژوهش و اقدامات عملی مقابله‌گرانه نسبت به این جنبش‌ها در کشور در سطح جهان توجه خویش را معطوف داشته‌ام، اما مع‌الأسف به حرکتی علمی، سازمان‌یافته، جدی و دل‌سوزانه، و البته همه‌جانبه در این خصوص در دستگاه‌های علمی و اجرایی کشور برخوردی ندارم.

شاید یکی از نقاط ضعف اساسی در این باره - که همواره به‌سهم خود دغدغه برطرف‌ساختن آن را داشته‌ام - فقدان منابع اصلی و دست‌اول بوده که کار مطالعه مستند و علمی و غیرژورنالیستی این جنبش‌ها را با چالشی جدی و چشم‌گیر مواجه ساخته است. باور نگارنده این است که ترجمه توأم با تحقیق دایرةالمعارف جنبش‌های دینی نوظهور، ویراست پیتیر کلارک، از آن‌جهت که بخش قابل توجهی از خلأ منابع را برطرف می‌کند و کتاب راهنمای جامع و تقریباً کم‌نظیری را در اختیار محققان، دانشجویان و طلاب، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، مراکز علمی و پژوهشی، سازمان‌های ذی‌ربط تبلیغی و امنیتی فراهم می‌کند می‌تواند گامی مثبت در جهت کاهش شکاف مزبور تلقی شود. این کتاب با حجمی حدود هزار صفحه، به معرفی و بیان مختصات بیش از چهارصد جنبش دینی - معنوی شرقی و غربی در سراسر جهان می‌پردازد و اطلاعات تخصصی موثق و مستوفایی درباره این جنبش‌ها ارائه می‌کند.

ترجمه کامل متن انگلیسی و نگارش مقدمه‌ای تحقیقی درباره کتاب و مفاد آن به‌همراه درج پی‌نگاشت‌های تکمیلی و تحقیقی درباره اعلام و اصطلاحات تخصصی و موضوعات و مطالب گوناگون کتاب از جمله اهداف این‌جانب در طرح پژوهشی حاضر خواهد بود.

مقدمه حاضر در دو بخش تنظیم شده است؛ در بخش اول ویژگی‌های کلی جُذین‌ها شامل اصطلاح‌شناسی، گونه‌شناسی، خاستگاه و دلایل گسترش، چالش‌ها و مسائل، اهمیت و جایگاه، تعامل فرهنگی و اجتماعی، علل گرایش، علل اقبال جامعه و راه کارهای مواجهه با آن‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش دوم، علاوه بر اشاره‌ای گذرا به پژوهش‌های صورت گرفته در ایران در مورد جُذین‌ها، به معرفی نویسنده و کتاب مورد ترجمه می‌پردازیم؛ هم‌چنین ملاحظات انتقادی در مورد کتاب و روش مترجم در ترجمه کتاب را مطرح خواهیم کرد.

بخش اول: ویژگی‌های کلی جُذین‌ها

موج کنونی جنبش‌های دینی نوظهور (جُذین‌ها) که ریشه در عوامل فکری، فرهنگی، و حتی سیاسی و اقتصادی داشت و پس از جنگ جهانی دوم در غرب قابل مشاهده شد با بیش‌تر قریب به اتفاق امواج قبلی تفاوت دارد، به‌طوری‌که این جنبش‌ها نه تنها از سنت یهودی/ مسیحی، بلکه از سنت‌هایی دیگر (مانند هندویسم، بودیسم، اسلام، شینتویسم، و الحادگرایی) و از فلسفه‌ها یا عقاید دوران اخیر (مانند روان‌کاوی یا داستان‌های علمی - تخیلی) ناشی می‌شوند. اگرچه

بحث در این جا به‌ویژه بر وضعیت جُلْدِن‌ها در اروپا، آمریکای شمالی، استرالیا و نیوزیلند متمرکز است، در بررسی حاضر، به‌اختصار توجه خود را به رشد جُلْدِن‌ها در آفریقا، ژاپن (که اخیراً از گسترش ادیان جدید در آن سخن گفته می‌شود)، آمریکای لاتین، اروپای شرقی، و کشورهای به‌لحاظ سنتی مسیحی اتحادیهٔ جماهیر شوروی سابق نیز معطوف ساخته‌ایم. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نگران‌کننده تنوع بسیار زیادی است که در بین این جنبش‌ها یافت می‌شود. علاوه‌براین، اگرچه برخی از ویژگی‌ها (شبهه به همان ویژگی‌هایی که غالباً در هر دین جدیدی یافت می‌شوند) خود را در جُلْدِن‌های اواخر قرن بیستم آشکار کرده‌اند، بسیاری از جنبش‌ها در حال حاضر دارای اعضای از نسل دوم و یا حتی نسل سوم هستند و دست‌خوش تغییراتی شده‌اند که «ویژگی‌های فرقه‌ای» اصلی آن‌ها را رقیق کرده‌اند. همان‌گونه که پس از این خواهیم دید، اهمیت آماری جنبش‌ها به‌اندازهٔ اهمیت اجتماعی یا فرهنگی آن‌ها نیست و بسیاری از وجوه این اهمیت در واکنش جوامع به جُلْدِن‌ها نهفته است.

ظهور و گسترش فرقه‌ها یا جنبش‌های دینی نوظهور پدیده‌ای قابل توجه در تاریخ دینی دوران ماست. این فرقه‌ها یا جنبش‌های دینی نوظهور با نشاط قابل توجهی عمل می‌کنند. برخی از آن‌ها از طبیعت باطنی برخوردار و برخی دیگر براساس تفسیر موردنظر خود از کتاب‌های مقدس شکل گرفته‌اند. بسیاری از آن‌ها نیز ریشه در ادیان آسیایی یا آفریقایی دارند و حاوی ترکیبی التقاطی از عناصری گوناگون از ادیان مختلف از جمله اسلام، مسیحیت، و یهودیت هستند. مردم عادی اغلب از عالمان دین اسلام، ربّی‌های یهودی، و اسقف‌های مسیحی درخواست اطلاعات و راهنمایی در مورد ادیان جدید می‌کنند. گاهی نیز از آن‌ها خواسته می‌شود که در مورد این پدیدهٔ نگران‌کننده واکنش نشان دهند، اما در بسیاری از موارد، به‌دلیل فقدان اطلاعات کافی یا مستند، یا هیچ‌گونه واکنشی صورت نمی‌گیرد یا واکنش‌های افراطی صورت می‌گیرد. به همین دلیل، تنظیم واکنش مناسب و به‌دور از افراط و تفریط و برنامه‌ریزی در زمینهٔ تنظیم مواجههٔ شایسته با این پدیده مستلزم کسب اطلاعات مستند و کافی در مورد اصطلاحات مربوط به جنبش‌های دینی نوظهور، گونه‌شناسی آن‌ها، مناشی و مبانی آن‌ها، دلایل گسترش آن‌ها، مشکلات ناشی از آن‌ها، و راهکارهای عام‌وخاص مقابله با آن‌هاست. اکنون به‌ترتیب و به‌تفکیک به بیان این موارد می‌پردازیم:

الف) اصطلاحات

یکی از مشکلاتی که در اصطلاح‌شناسی این پدیده بروز می‌کند مشکلی است که از پیچیدگی واقعیت ناشی می‌شود. گروه‌های موردبحث ما تا حد زیادی در منشأ، باورها، اندازه، روش‌ها و ابزارهای استخدام اعضا، الگوی رفتار و نگرش نسبت به مسجد و کلیسا و کنیسه، از دیگر گروه‌های مذهبی و جامعه متفاوت به‌نظر می‌رسند. بنابراین، جای تعجب نیست که هنوز هیچ توافقی بر سر نام این گروه‌های نوظهور وجود ندارد. در این جا به بحث دربارهٔ برخی از نام‌هایی می‌پردازیم که در اشاره به آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند:

گروهک‌ها^۱

نام «گروهک»^۲ به‌نظر می‌رسد که به‌طور مستقیم برای اشاره به گروه‌های کوچکی مورد استفاده قرار می‌گیرد که از یک گروه دینی بزرگ، مثلاً مسیحیت، منشعب شده‌اند و حاوی عقاید و مناسک دگرگون‌شده‌ای هستند. البته، این نام در همه‌جا به یک معنا به‌کار نمی‌رود. به‌عنوان مثال، در آمریکای لاتین این تمایل وجود دارد که این نام را به همهٔ گروه‌های غیرکاتولیک اطلاق کنند، حتی اگر این گروه‌ها شامل خانواده‌های کلیساهای سنتی پروتستان باشند، اما حتی در آمریکای لاتین و در محافلی که به حفظ وحدت کلیساهای مسیحی حساس‌ترند نیز از نام گروهک برای گروه‌های افراطی‌تر و

1. Sects

2. Sect

تهاجمی‌تر استفاده می‌شود. این واژه در اروپای غربی بار معنایی منفی دارد، در حالی که در ژاپن ادیان جدید شیتو یا بودایی تبار، آزادانه و در مفهومی غیرموهن، گروهک نامیده می‌شوند.

جنبش‌های دینی نوظهور^۱

اصطلاح «جنبش‌های دینی نوظهور (جُدن‌ها)» وقتی در اشاره به این گروه‌های نوپدید دینی به‌کار می‌رود خنثی‌تر از اصطلاح «گروهک‌ها» است. آن‌ها را نوظهور می‌نامند نه فقط به این دلیل که آن‌ها خود را پس از جنگ جهانی دوم در قالبی جدید نشان می‌دهند، بلکه هم‌چنین به این دلیل که آن‌ها خود را به‌عنوان جای‌گزین‌هایی برای ادیان رسمی رایج و فرهنگ غالب شناسانده‌اند. آن‌ها را به این دلیل دینی می‌نامند که به‌طور رسمی به ارائه چشم‌اندازی از جهان مذهبی یا مقدس می‌پردازند یا ابزاری برای رسیدن به اهدافی دیگر مانند معرفت متعالی، اشراق معنوی، یا خودپروری به‌شمار می‌روند یا به این دلیل که برای پرسش‌های اساسی اعضای خود پاسخ‌هایی را فراهم می‌آورند.

نام‌های دیگر

این جنبش‌ها یا گروه‌ها را گاهی اوقات ادیان جدید^۲، ادیان حاشیه‌نشین^۳، جنبش‌های دینی آزاد^۴، جنبش دینی جای‌گزین^۵، گروه‌های دینی حاشیه‌نشین^۶، یا (به‌خصوص در مناطق انگلیسی‌زبان) فرقه‌ها^۷ نیز می‌نامند.

اما در ایران از نام‌هایی نظیر جنبش‌های نوپدید دینی / معنوی، ادیان کاذب، ادیان انحرافی، شبه‌عرفان‌ها / معنویت‌ها، عرفان‌های دروغین، و امثال این نام‌ها استفاده می‌شود که نشان‌دهنده بار بسیار منفی این پدیده در جامعه پژوهشی / پژوهش‌گران ایران است. گفتنی است که شاید بتوان، با استفاده از مطالعات تجربی موجود، دایره معنایی برخی از این نام‌ها را دقیق‌تر کرد و هرکدام را به یک گونه از واقعیت پیچیده یادشده اختصاص داد، اما به‌نظر می‌رسد، با این که بعضی از این اصطلاحات در فضای آکادمیک دایره مشخصی دارد، در فضای ژورنالیستی کشور بادقت از این اصطلاحات استفاده نمی‌شود.

مثلاً تمایز جدی و مشخصی بین معنویت جدید، ان آر ام، و ان ای آر وجود دارد، اما بعضاً به آن دقت نمی‌شود. اکنون پرسش این است که در مقام بحث و پژوهش در مورد این جنبش‌ها، از چه اصطلاح / اصطلاحاتی باید استفاده کرد؟

پاسخ این است که، از آن‌جاکه تقریباً هیچ اصطلاح پذیرفته‌شده جهانی در این مورد وجود ندارد، باید تلاش کنیم که تا آن‌جاکه ممکن است از این اصل تبعیت کنیم که اصطلاحی را که مورد جعل یا قبول قرار می‌دهیم حتی‌الامکان جانب عدالت و دقت توأمان در آن رعایت شده باشد. در نتیجه، در این نوشتار نیز هم به‌جهت رعایت مطابقت با عنوان کتاب و هم به‌لحاظ رعایت اصل فوق، از اصطلاح «جنبش‌های دینی نوظهور» با علامت اختصاری «جُدن‌ها» استفاده خواهیم کرد.^۸

1. New Religious Movements
2. New Religions
3. Marginal Religions
4. Free Religious Movements
5. Alternative Religious Movement
6. Marginal Religious Groups
7. Cults

۸ البته گفتنی است که لیندا وودهد، پاول هیلاس، و واتنو و به‌تبع آن‌ها برخی از نویسندگان جدیدتر این اصطلاح را درباره معنویت فرهنگی و غیرساختارمند جدید به‌کار نمی‌برند.

اصطلاح جَدِن‌ها، درعین حال، به دلیل آن که اصطلاحی ختنی و به اندازه لازم و کافی کلی و عام است، همه جنبش‌های جدید با منشأهای دینی مختلف از جمله اسلامی، مسیحی و یهودی، فرقه‌های پروتستان، گروهک‌هایی با پس‌زمینه مسیحی، جنبش‌های جدید شرقی و غربی یا آفریقایی، و جنبش‌هایی از نوع عرفانی و گنوسی یا باطنی را نیز دربر می‌گیرد.

ب) گونه‌شناسی جَدِن‌ها

درباره طبقه‌بندی و تقسیم‌بندی گونه‌های مختلف جَدِن‌ها دیدگاه‌های گوناگونی عرضه شده است. یک نمونه از تقسیم‌بندی‌های نسبتاً جامع و گویا از سوی الیزابت آروک^۱ پیش‌نهاد شده است.

بنابر تقسیم‌بندی هفت‌گانه او، جنبش‌های دینی نوظهور تحت مقولات زیر می‌گنجند:

۱. گروه‌هایی که از سنن شرقی الهام گرفته‌اند؛ مانند جَباک، ساتیا سَای بابا، ساجا یوگادوستان نظام بودیست غربی، برهماکوماری‌ها و مراقبه متعالی؛
 ۲. گروه‌هایی که از بافت مسیحی برخاسته‌اند؛ مانند کلیسای متحد، کلیسای جهانی خدا، سپاه عیسی، کلیسای مسیح و خانواده؛
 ۳. گروه‌هایی که در کشوری خاص ریشه گرفته‌اند؛ مانند ادیان جدید ژاپنی همانند سوکا گاکای، مؤسسه تحقیق در سعادت بشر؛
 ۴. گروه‌هایی که از تعالیم باطنی مشتق شده‌اند؛ مانند اکنکار، بشاره، گورجیف، اوسپنسکی؛
 ۵. گروه‌هایی که آن‌ها را خود - دین می‌خوانند؛ مانند شبکه مراکز یا است، تربیت زندگی، کنترل ذهن سیلوا؛
 ۶. گروه‌هایی که بر موجودات فرازمینی از جمله بشقاب‌پرنده‌ها متمرکز شده‌اند؛ مانند جنبش رائیل و دروازه آسمان (ملکوت)؛
 ۷. گروه‌های که با جنبش عصر جدید مرتبط‌اند؛ همانند کلیسای جهانی و کلیسای فاتح.^۲
- شاید بتوانیم مواردی مانند کلیسای وحدت‌بخش، کلیسای ساینتولوژی، و جنبش علم مسیحی را که اعضای آن را معمولاً با نام «مونی» می‌شناسند در گروه دوم و بنیاد راجنیش را که هم‌اکنون به نام جنبش اشو شناخته می‌شود در گروه اول از گروه‌های موردنظر آروک گنجانند.
- البته می‌توان به طبقه‌بندی‌های دیگری نیز اشاره کرد. این طبقه‌بندی بر مبنای غلبه زمینه‌های معرفتی مسیحی یا غیرمسیحی در گروه‌ها شکل می‌گیرد. بر این اساس، می‌توان به دو گونه اشاره کرد:

۱. گونه‌هایی با پس‌زمینه‌های معرفتی عمدتاً مسیحی

در معرفی گونه‌هایی با منشأ مسیحیت می‌توانیم به جنبش‌های جدید گوناگونی اشاره کنیم؛ از جمله جنبش‌های ناشی از اصلاح طلبی پروتستان، گروهک‌هایی با ریشه‌های مسیحی اما با اختلافات عقیدتی قابل توجه، جنبش‌های منشعب از دیگر ادیان و جنبش‌های بشردوستانه یا با پس‌زمینه‌های به اصطلاح «پتانسیل انسانی»^۳ (مانند گروه‌های عصر جدیدی^۴ و گروه‌های

1. Elisabeth Arwek

2. Arwek, Elisabeth (2002), *New Religious Movements*, First Published, New York: Rutledge, p. 67.

3. Human Potential

4. New Age Groups

دینی درمانی^۱) یا منشعب از جنبش‌هایی با پس‌زمینه‌های «پتانسیل الهی»^۲ که به‌ویژه در سنت‌های دینی شرقی یافت می‌شوند. ما جُلْدِن‌هایی را متفاوت می‌دانیم که از طریق تماس بین ادیان جهانی و فرهنگ‌های دینی اولیه متولد شده‌اند.

۲. گونه‌هایی با پس‌زمینه‌های عمدتاً غیرمسیحی

از این گونه‌ها، چهار گروه را می‌توان تشخیص داد:

- الف) جنبش‌های مبتنی بر متون مقدس که در نتیجه یا مسیحی یا برگرفته از مسیحیت هستند؛
- ب) جنبش‌های مشتق از ادیان دیگر مانند اسلام، هندوئیسم، بودیسم و دیگر ادیان سنتی که برخی از آن‌ها را به‌عنوان مثال حتی می‌توان التقاطی از عناصر مسیحی یا عناصری اسلامی یا هر دو دین دانست؛
- ج) جنبش‌هایی که نشانه‌هایی از تجزیه عقاید اصلی دین و بازگشت به الحادگرایی را از خود به‌نمایش می‌گذارند؛
- د) جنبش‌هایی که دارای عقاید گنوسی هستند.

باتوجه به تنوع جُلْدِن‌ها، جای طرح این پرسش هست که چه مخرج مشترکی میان آن‌ها وجود دارد؟ در تلاش برای یافتن این مخرج مشترک باید گفت که فرقه‌ها/گروهک‌های موردبحث به‌عنوان «گروه‌های دینی با یک جهان‌بینی متمایز و مشتق‌شده از آموزه‌های یک دین بزرگ اما نه مترادف با آن آموزه‌ها» تعریف شده‌اند. این تعریف، از منظری پدیدارشناختی، فقط تاحدی درست است و به‌نظر نمی‌رسد که شامل جنبش‌هایی شود که از جنبش‌های انسان‌گرا، الحادی، یا با پس‌زمینه‌های گنوسی که برخی از جامعه‌شناسان ترجیح می‌دهند آن‌ها را «جنبش‌های جادویی جدید»^۳ بنامند منشعب شده‌اند.

علاوه‌براین، چنین تعریفی از هر گونه ارزش داور در مورد آموزه‌ها، رفتارهای اخلاقی بنیان‌گذاران و پیروان جُلْدِن‌ها، و رابطه آن‌ها با جامعه پرهیز می‌کند.

از دیدگاه اعتقادی، جُلْدِن‌ها عمدتاً در مناطق به‌شکلی سنتی مسیحی عمل می‌کنند، ولی آن‌جا که خود را از جهان‌نگری مسیحی متمایز می‌کنند می‌توانند در چهار دسته جای گیرند: جُلْدِن‌هایی که به رد کلیسا می‌پردازند، جُلْدِن‌هایی که به رد مسیح می‌پردازند، جُلْدِن‌هایی که نقش خدا را رد می‌کنند (و درعین حال، مفهوم کلی «دین» را حفظ می‌کنند)، و جُلْدِن‌هایی که نقش دین را رد می‌کنند (و مفهوم تقدس را حفظ می‌کنند اما برای دستیابی به قدرت بر دیگران یا کیهان با عامل انسانی دست‌کاری می‌شوند).^۴

واکنش اجتماعی علیه جُلْدِن‌ها به‌طور کلی نه‌چندان بر عقاید آن‌ها بلکه بر الگوی رفتار آن‌ها و ارتباطشان با جامعه استوار است.

باین حال، نه با انتساب نگرش‌های منفی‌تر برخی به همه جُلْدِن‌ها باید به محکومیت یا تعمیم در مورد آن‌ها دست زد و نه جُلْدِن‌ها را در ایجاد تحول و انقلاب به‌معنای مثبت آن باید ناتوان در نظر گرفت.

جُلْدِن‌های پروتستان‌تبار یا به‌دلیل تبلیغ دینی تهاجمی آن‌ها که کلیسای کاتولیک را لکه‌دار کرده است یا به‌دلیل برنامه‌های توسعه‌طلبانه آن‌ها و استفاده از رسانه‌های جمعی به‌شکلی که شبیه تجاری‌سازی دین به‌نظر می‌آید واکنش‌های گوناگونی را برانگیخته‌اند.

باوجود تنوع جُلْدِن‌ها و موقعیت‌های محلی آن‌ها، آن‌ها موجب پدیدآمدن یک مشکل اصلی معنوی شده‌اند و آن آسیب‌پذیری مؤمنان از طرح‌هایی است که در تضاد با هدفی هستند که برای آن تشکیل شده‌اند.

1. Healing Religious Groups

2. Divine Potential

3. New Magical Movements

4. Rev. Lawrence J. Gesy (2010), *Today's Destructive Cults and Movements*, Sunday Visitor Press, 200 Noll Plaza, Huntington, p. 4.

پدیدهٔ فرقه‌ها و گروه‌ها مشکل جدی تشخیص را برای اولیای کلیسا به وجود آورده است. یوحنا رسول می‌گوید: «مردم عزیز، این که شما می‌توانید اعتماد کنید، روح چندان بزرگی نمی‌خواهد. آن‌ها را امتحان کنید تا ببینید که آیا آن‌ها از جانب خدا می‌آیند؛ اکنون، پیامبران دروغین بسیاری در جهان وجود دارند» (یوحنا، ۴:۱).

ج) خاستگاه و دلایل گسترش جَدِن‌ها

بی‌تردید، شکل‌گیری و توسعهٔ جَدِن‌ها معلول عواملی است که شناخت آن‌ها کار بررسی تنوع صوری و گوناگونی محتوایی آن‌ها را آسان‌تر می‌سازد.^۱ این عوامل عبارت‌اند از:

۱. وجود نیازهای معنوی

جَدِن‌ها نشان می‌دهند که نیازهای معنوی‌ای وجود دارند که شناسایی نشده‌اند یا کلیسا و دیگر نهادهای مذهبی به درک آن‌ها نرسیده‌اند یا به تأمین آن‌ها نائل نشده‌اند. بسیاری از دین‌داران مسیحی، یهودی، مسلمان، و غیر آن‌ها به فرقه‌ها/گروه‌ها یا جَدِن‌ها می‌پیوندند؛ چراکه احساس می‌کنند که این گروه‌ها به عطش آن‌ها برای خواندن کتاب مقدس، نیایش‌ها و آوازهای مذهبی، رقص و رضایت عاطفی‌شان پاسخی عینی و روشن می‌دهند.

۲. جست‌وجوی هویت فرهنگی

جَدِن‌ها به این دلیل می‌توانند پدید آیند و به جذب مردم پردازند که مردم در جست‌وجوی معنایی هستند که احساس می‌کنند در دوره‌ای از تغییرات فرهنگی آن را از دست داده‌اند.

۳. پاسخ‌دهی به پرسش‌های حیاتی

برای مثال، در آفریقا مردمی زندگی می‌کنند که در دین خود به دنبال پاسخ به جادوگری، شکست، رنج، بیماری، و مرگ و محافظت در برابر این امور هستند. به نظر می‌رسد که جَدِن‌ها با این مسائل وجودشناختی به شکلی باز برخورد می‌کنند و وعدهٔ درمان‌های فوری، به‌خصوص شفابخشی‌های جسمی و روانی، می‌دهند.

۴. جبران نقاط ضعف معنوی ادیان رسمی

هم در ساختار نهادهای دینی - معنوی سستی و هم در زندگی جوامع دینی، به‌خصوص جوامع مسیحی که جَدِن‌ها در آن‌ها نفوذ می‌کنند، نقاط ضعفی وجود دارد. وقتی عالمان دین اعم از روحانیون، کشیشان، و خاخام‌ها معدود و کم‌یاب شوند، این جنبش‌ها بر بسیاری از رهبران و مبلغان مذهبی قدرت‌مندی که در زمانی نسبتاً کوتاه آموزش داده شده‌اند تأثیر می‌گذارند. آن‌ها در جایی که معتقدان دینی، مثلاً شیعیان یا کاتولیک‌ها، نسبت به آموزه‌های تشیع یا کاتولیک جهل دارند به شکلی بنیادگرایانه دست به تهاجم علیه کتاب مقدس می‌زنند. در جایی که شاهد اعتقادات نیم‌بند و بی‌تفاوتی‌های پسران و دختران مسیحی یا مسلمان یا یهودی یا دین‌های دیگری هستیم که هنوز به سطح مأموریت تبلیغی دین خود نرسیده‌اند و برای سازگارشدن با یک زندگی پایدار دینی هنوز شواهد و ادلهٔ محکمی در دست ندارند، فرقه‌ها به عرضهٔ پویایی‌های مخرب و تعهداتی قابل توجه می‌پردازند.^۲

1. Rev. Lawrence J. Gesy, *Today's Destructive Cults and Movements*, p. 3.

۲. برای مطالعه در زمینهٔ تأثیر مخرب فرقه‌ها در فضای مسیحی بنگرید به:

John Paul II: Address to Mexican Bishops, 6, on May 12, 1990, in: «L'Osservatore Romano» English Edition, May 14, 1990, p. 2.

در جایی که تعالیم، به عنوان مثال تعالیم واقعی کاتولیک در باب نجات تنها به نام مسیح، ضرورت کلیسا و لزوم کار تبلیغی، و تغییر کیش مهم باشند، فرقه‌ها به ارائه جای‌گزین‌هایی می‌پردازند. وقتی کلیساها بیش از حد بزرگ و غیرشخصی هستند، این فرقه‌ها با ایجاد جوامعی کوچک برای افراد به آن‌ها احساس شناخته‌شدن، دیده‌شدن، قدردانی‌شدن، دوست‌داشتنه‌شدن، و برخوردارشدن از نقشی معنادار می‌دهند. هرگاه مردم عادی یا زنان احساس کنند که به حاشیه رانده شده‌اند، این گروه‌ها نقش رهبری آن‌ها را به عهده می‌گیرند. در جایی که مراسم نیایش و مناجات مقدس به شیوه‌ای سرد و معمول صورت گیرد، این فرقه‌ها با مشارکت مردم به ارائه خدمات مذهبی می‌پردازند که با فریاد «سبحان الله» و «عیسی خداوند است» همراه و با عبارات کتاب مقدس آمیخته است. وقتی فرهنگ‌سازی دینی هنوز در مراحل تردید خود به سر می‌برد، جُدن‌ها زمینه ظهور گروه‌های مذهبی بومی را فراهم می‌سازند که به نظر می‌رسد به شکلی محلی ریشه‌ای مردمی دارند. در جایی که خطابه‌ها و مواعظ صرفاً عقلی و از بالای سر مردم به گوش آنان می‌رسد، جُدن‌ها مصرانه از تعهد شخصی به مقدسات و پای‌بندی سرسختانه و تحت‌اللفظی به کتاب مقدس دم می‌زنند. در جایی که کلیساها یا مساجد یا کنیسه‌ها به نظر می‌رسد بیش از حد به یک نهاد صرف با ساختارها و سلسله‌مراتب خاص تبدیل شده‌اند، جُدن‌ها بر رابطه شخصی با خدا تأکید می‌کنند.

همه این روش‌های متداول در جُدن‌ها سزاوار مقابله نیستند. پویایی شیوه تبلیغ آن‌ها، مسئولیت تبشیری آن‌ها در برابر نوکیشان، استفاده آن‌ها از رسانه‌های جمعی، و برنامه‌ریزی دقیق آن‌ها برای دستیابی به اهداف خود باید ما را به این پرسش از خودمان وادارد که چگونه باید به پویایی بیش‌تری در فعالیت‌های تبلیغی خود دست یابیم؟

البته، جُدن‌ها گاه از روش‌هایی استفاده می‌کنند که با روح کتاب‌های مقدس در تضاد است، به دلیل این‌که این روش‌ها به اندازه کافی به آرامش وجدان آدمی احترام نمی‌گذارند. البته، فقط محکومیت این روش‌ها کافی نیست، بلکه این نیز لازم است که به آماده‌سازی گروه‌های دینی - معنوی پردازیم که به اطلاع‌رسانی و شکل‌دهی به مؤمنان پردازند و به کمک جوانان و خانواده‌هایی بشتابند که خود را در این شرایط غم‌انگیز گرفتار می‌بینند.

۵. پیروی از اعمال شیطانی

در میان تبیین‌هایی که برای توجیه ظهور و گسترش فرقه‌ها یا جُدن‌ها صورت گرفته است گاه از اقدامات و اعمال شیطانی یاد می‌شود،^۱ حتی اگر این اعمال برای افراد درگیر این جنبش‌ها ناشناخته باشد. شیطان دشمنی است که وقتی مردم در خواب‌اند در بین گندها علف می‌افشاند.

عم تبعیت از پدیده جهانی شدن

جُدن‌ها از قرن گذشته، به خصوص در چهل سال گذشته، به ایالات متحده آمریکا نفوذ کرده‌اند. آن‌ها بیش‌تر از پروتستان‌گرایی برخاسته‌اند، اما از ادیان شرقی و از تلفیق عناصر دینی و روانی نیز ناشی شده‌اند. آن‌ها از ایالات متحده به آمریکای لاتین، آفریقای جنوبی، فیلیپین، و اروپا صادر شده‌اند.^۲

در آمریکای لاتین، جُدن‌ها تاحد زیادی از خاستگاهی مسیحی سرچشمه می‌گیرند و به‌طور کلی نسبت به کلیسای کاتولیک موضعی تهاجمی و منفی دارند و رهبر آن را اغلب بدنام می‌دانند. در مورد فیلیپین نیز وضع به همین منوال است. در آفریقا، ظهور جُدن‌ها بیش‌تر با بحران‌های پسااستعماری سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی و پرسش‌هایی در مورد فرهنگ‌سازی و میل آفریقایی به شفابخشی و کمک به مواجهه صحیح با مشکلات زندگی در ارتباط است.

1. Ibid., p. 5.

2. Ibid., pp. 5-7.

در آسیا، جُدن‌های محلی به‌نظر نمی‌رسد که تهدیدی عمده علیه کشورهای باشند که مسیحیان در آن‌جا در اقلیت هستند، جز این‌که آن‌ها به اروپا و آمریکا صادر می‌شوند و در آن نقاط به جذب مردم از جمله روشن‌فکران می‌پردازند و پیش‌نهادهای التقاطی و باطنی خود را از قبیل آرامش، صلح، و روشنایی به آنان عرضه می‌کنند. در اروپا، بحران جامعه فناورانه کاملاً سکولار که از چهل‌تکه‌شدن فرهنگی خود رنج می‌برد و دیگر نمی‌تواند به‌طور گسترده‌ای ارزش‌های اخلاقی و باورهای مذهبی خود را به‌اشتراک گذارد زمینه نفوذ و گسترش فرقه‌ها یا جُدن‌هایی را که از آمریکا یا شرق آمده‌اند فراهم ساخته است.

(د) چالش‌ها و مسائل ناشی از جُدن‌ها

۱. وحدت کلیسا

جُدن‌ها در کشورهای مسیحی کاتولیک‌ها را از وحدت، صمیمیت، و هم‌دلی کلیساهای کاتولیک محروم ساخته‌اند. این صمیمیت و هم‌دلی بر وحدت ایمان، امید، و عشقی مبتنی است که از طریق خلسه تعمید حاصل می‌شود. این صمیمیت و اتحاد از آیین‌های کلیسایی، کلام خدا، و خدمات مسیحی تغذیه می‌کند.

۲. وحدت‌گرایی

تمایز بین فرقه‌ها و جنبش‌های دینی نوظهور از یک‌سو و کلیساها و دیگر نهادهای مذهبی جامع از سویی دیگر امر مهمی است که باید به آن توجه داشت. بنابراین، تمایز بین روابط و تعاملات وحدت‌گرایانه بین کلیسای کاتولیک و فرقه‌ها را در این زمینه باید به‌دقت در نظر گرفت.

۳. تضعیف و انکار ایمان

برخی از فرقه‌ها و جُدن‌ها یا به تضعیف ارکان اصلی ایمان کاتولیک می‌پردازند یا عملاً آن‌ها را انکار می‌کنند. آن‌ها یک جامعه دینی انسان‌بنیان را به‌جای کلیسایی که پسر خدا بنیان‌گذاری کرده است عرضه می‌کنند.

۴. رهایی از قید ایمان

در موارد شدیدتر، مسیحیان چه‌بسا به رهاکردن ایمان خود از طریق فعالیت‌های جُدن‌ها بپردازند. برخی از جنبش‌ها به ترویج نوعی نو-الحادگرایی می‌پردازند که انسان را به‌جای خدا در مرکز عبادت می‌نشانند و ادعای برخورداری از معرفتی فوق‌العاده می‌کند که خود را بالاتر از همه ادیان قرار می‌دهد. دیگر جُدن‌ها در اموری از قبیل رمزگرایی، سحر و جادو، ارتباط با ارواح، و حتی پرستش شیطان درگیر می‌شوند.

۵. خداناباوری و بی‌اعتقادی

برخی از جُدن‌ها، به‌ویژه جُدن‌هایی که به اعمال فشاری سنگین روی انسان می‌پردازند، می‌توانند راه را برای خداناباوری هموار کنند.

عم تبلیغ دینی

بسیاری از جُدن‌ها از روش‌هایی استفاده می‌کنند که ناقض حقوق مقرر شده در آزادی دینی سایر مؤمنان یا نهادهای مذهبی است. آن‌ها چیزهایی می‌گویند که از نظر دیگران درست نیست. آن‌ها نظر مردم آسیب‌پذیر مانند جوانان، فقیران، و جاهلان را با پول یا دیگر کالاهای مادی یا با بمباران سنگین فشارهای روانی و غیره به‌سوی خود جلب می‌کنند.

۷. تهاجمی به سوی کلیسای کاتولیک

برخی از جُلْدِن‌ها موضعی تهاجمی، به خصوص نسبت به کلیسای کاتولیک، دارند. آن‌ها به نظر می‌رسد که بر مناطقی کاتولیک، به ویژه مناطق سنتی مانند آمریکای لاتین و فیلیپین، تمرکز یافته‌اند. آن‌ها در تلاش برای دور ساختن هر چه بیش‌تر کاتولیک‌ها از کلیساها هستند. به نظر نمی‌رسد که آن‌ها در راه کوشش‌های تبلیغی در مورد افرادی که هنوز به مسیح باور ندارند اصراری داشته باشند. آن‌ها همانند دولت‌های کمونیست یا جریان‌های برانداز دولت حتی با ضعیف یا ناکام نشان دادن تلاش‌های کاتولیک به تفسیری اشتباه از این تلاش‌ها دست می‌زنند.

۸. آسیب روانی افراد

برخی از جُلْدِن‌ها هستند که از طریق روش‌های استخدام و آموزش افراد و اتخاذ مواضع سخت‌گیرانه برای جلوگیری از خروج اعضای خود از جنبش به وارد کردن آسیب‌های روان‌شناختی به این افراد می‌پردازند.

۹. رابطه با جامعه

برخی از جُلْدِن‌ها، به دلیل ناهنجاری‌های اجتماعی خود، ناکامی در آموزش اعضا برای تبدیل شدن به شهروندانی که وظایف خود را به دوش دیگران نگذارند، و ایجاد سردرگمی اجتماعی برای پیروان خود مشکلاتی را برای جامعه یا دولت به وجود آورده‌اند.

همه این موارد پیش‌گفته نشان‌دهنده این است که این پدیده و مسائل و چالش‌های ناشی از آن باید جدی گرفته شود.

هـ) اهمیت و جایگاه جُلْدِن‌ها

۱. اهمیت آماری جُلْدِن‌ها

صرف‌نظر از این حقیقت که شمار فراوان و غیرمنتظره‌ای از جُلْدِن‌ها اکنون در جهان حاضر در حال توسعه و نفوذ هستند و تعداد قابل توجهی از اشخاص تحت تأثیر این جنبش‌ها قرار دارند اهمیت واقعی ادیان جدید در جامعه مدرن اهمیتی آماری نیست. تردیدی نیست که هریک از این جنبش‌ها نشانگان تبدیل شدن به یک سنت دینی بزرگ را در زندگی نسل‌های اول و دوم و حتی سوم اعضای خود دارند. این موضوع در مقایسه با ژاپن کم‌تر صادق است؛ زیرا آمار نشان می‌دهد که در حدود ده تا دوازده درصد از جمعیت این کشور پیروان یک یا چند مورد از جُلْدِن‌ها هستند و جنبشی مانند سوکا گاکای ادعا می‌کند که دارای چند میلیون پیرو است - اما حتی رشد تحسین‌برانگیز این جنبش حداقل در حال حاضر متوقف شده است - ولی باید در نظر داشت که حداقل هشتاد درصد از مردم این کشور از هیچ‌یک از جُلْدِن‌ها پیروی نمی‌کنند.^۱

اما به‌واقع، اکنون چه تعداد جُلْدِن در جهان وجود دارند؟ پاسخ اجمالی و کوتاه به این پرسش این است که نمی‌توان در این باره حکمی دقیق صادر کرد؛ زیرا در حقیقت، ما آماری دقیق در این باره در اختیار نداریم تا بتوانیم به‌ضرس قاطع به اظهار نظر بپردازیم، اما برای ارائه پاسخ تفصیلی به این پرسش باید روشن سازیم که مرادمان از یک جُلْدِن چیست. آیا ما هر گروه عصر جدیدی را در جُلْدِن‌ها داخل می‌کنیم یا آن‌ها را در بست در قالب یک «جنبش» مجزا در نظر می‌گیریم؟ آیا جنبش‌های موجود در سنت‌های حاکم از قبیل آپوس دی و فوکولر یا جنبش کلیسای خانگی - هر کلیسای خانگی - را

1. Susumu Shimazono (1991), "New Religions and the New Spirituality Movement: Two Types of Religious Movements in Advanced Industrial Societies", Paper Given at the Santa Barbara Centre for Humanistic Studies Conference *New Religions in a Global Perspective*, Buelton, California, p. 3.

جزء جُلْدین‌ها می‌دانیم؟ در مورد کلیساهای مستقل آفریقایی یا کلیسای اصلاح طلب متحد چه باید بکنیم؟ آیا گروه‌های خود - ادیان یا پتانسیل انسانی را واقعاً باید در زمره جنبش‌های دینی نوظهور دانست؟ منظور از نوظهور/جدید چیست و کدام نوظهور/جدید نوظهور/جدید است؟ در مورد فرقه‌هایی از قبیل سوپود، ودانتا، یا شاهدان یهوه چه می‌توان گفت که در کشوری مانند ایتالیا هرگاه سخن از جُلْدین‌ها می‌شود به عنوان نخستین فرقه‌هایی از این دست به ذهن خطور می‌کنند؟ آیا حتی می‌توانیم جنبش ضد فرقه را - که شاخه‌هایی از آن از همان ویژگی‌هایی برخوردارند که خود ضدفرقه‌گرایان به فرقه‌ها نسبت می‌دهند - جزء جُلْدین‌ها به‌شمار آوریم؟

۲. تعاریف جنبش‌ها

در این مورد، البته هیچ پاسخ درستی وجود ندارد. هرچند، می‌توان به تعاریفی متنوع و فراوان اشاره کرد که هریک از آن‌ها از زاویه‌ای خاص از جمله جغرافیا، تبار شرقی یا غربی بودن، ویژگی‌های عضویت و سازمانی، نوع اعتقادات متافیزیکی، و غیره به تعریف جُلْدین‌ها پرداخته‌اند. اما در واقع، این تعاریف را می‌توانیم به تعاریف بیش‌تر یا کم‌تر مفید، نه بیش‌تر یا کم‌تر درست طبقه‌بندی کنیم. یکی از تعاریفی که به دلایل صرفاً عملی می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد این است که یک جُلْدین را وقتی نوظهور می‌خوانیم که از زمان جنگ جهانی دوم به شکل فعلی قابل مشاهده شده است و به آن دینی می‌گوییم نه به این معنا که صرفاً به ارائه گزاره‌های الهیاتی خاصی در مورد وجود و ماهیت موجودات فراطبیعی می‌پردازد، بلکه به این معنا که به عرضه پاسخ‌هایی به حداقل برخی دیگر از پرسش‌های غایی می‌پردازد که به طور سنتی به وسیله ادیان حاکم طرح می‌شوند. برخی از این پرسش‌ها عبارت‌اند از: آیا خدا وجود دارد؟ من کی هستم؟ چگونه ممکن است به جهت، معنا، و هدف زندگی دست پیدا کنم؟ آیا زندگی پس از مرگ وجود دارد؟ آیا حقیقت انسان‌ها چیزی بیش از بدن فیزیکی خود و فعل و انفعالات بی‌واسطه با دیگران است؟

۳. تعداد جنبش‌ها

شامِجِد (شبکه اطلاعات معطوف به جنبش‌های دینی)^۱ فهرستی شامل بیش از دو هزار گروه مختلف را ارائه می‌کند که بیش‌تر (اما نه همه) آن‌ها را می‌توان جُلْدین نامید. باتوجه به این که ممکن است گروه‌های بسیاری وجود داشته باشند که ما در مورد آن‌ها چیزی نشنیده‌ایم، پس نباید بی‌دلیل چنین فرض کنیم که با احتساب انشعابات آن‌ها - اما نه شاخه‌های یک گروه که نام‌هایی مختلف دارند - بیش از دو هزار گروه مجزا در اروپا یا جهان وجود دارند. گوردون ملتون که تعریفش از جُلْدین‌ها تعریفی بسیار تنگ و تنگ است و مانع شمول گروه‌های پتانسیل انسانی می‌شود اطلاعاتی در مورد نزدیک به هزار گروه در آمریکا فراهم کرده است.^۲ یک محقق ژاپنی، به نام شیمازونو، معتقد است که برآوردهای علمی در مورد تعداد جُلْدین‌ها در ژاپن از هشت صد تا چند هزار متغیر هستند.^۳ چندین سال پیش، هارولد ترنر برآورد کرد که ده هزار دین جدید با بیش از دوازده میلیون پیرو در بین قبایل آمریکا، آسیا، آفریقا، و استرالیا دیده می‌شود.^۴ او کلیساهای مستقل آفریقایی را

1. INFORM (Information Network Focus on Religious Movements)

شامِجِد یک مؤسسه خیریه است که به پستوانه مدرسه اقتصاد لندن و با حمایت کلیساهای خانگی و حاکم در سال ۱۹۸۸ به وسیله ایلین بارکر به منظور فراهم آوردن اطلاعاتی معتبر و روزآمد در مورد ادیان جدید تأسیس شد. برای تماس با این پایگاه اطلاعاتی به نشانی زیر می‌توان مراجعه کرد:

Houghton St, London WC2A 2AE, England; Tel: 0171 955 7654, fax: 0171 955 7677; e-mail INFORM@LSE.AC.UK.

2. J. Gordon Melton (1993), *Encyclopedia of American Religions* Detroit: Gale. 4th edition.

3. Shimazono op cit.

4. Harold Turner (1984), "New Religious Movements in Primal Societies", in John Hinnells (ed.), *The Penguin Dictionary of Religions*, Harmondsworth, p. 232. Second edition: *A New Dictionary of Religions*, Oxford: Blackwell, 1995, p. 350.

در این برآورد داخل کرده است، اما تعداد بی‌شماری از ادیان جدید ممکن است در هند یافت شوند و چندصد دین نیز در جنوب آمریکا، استرالیا و نیوزیلند و در نقاطی مانند غرب هند، کره، و فیلیپین وجود دارند. خلاصه، تعداد جُلین‌ها بالین که به‌وضوح وابسته به تعریف مورد استفاده در مورد آنهاست، باتوجه به تعریف گسترده‌ای که از آنها صورت گرفت، به احتمال زیاد در حدود دوهزار یا بیش از دوهزار فرقه در غرب و احتمالاً حدود ده‌هزار فرقه در سراسر جهان است.

۴. شمار اعضا و پیروان

تلاش در جهت ارزیابی جنبش‌ها تلاشی مذبحانه است؛ زیرا بسیاری از جنبش‌ها آمار مربوط به مشخصات اعضای خود را یا ثبت نمی‌کنند یا مخفی نگه می‌دارند یا (معمولاً به سمت بالا) تحریف می‌کنند. می‌دانیم که برخی از جُلین‌ها فقط اعضای انگشت‌شمار دارند، در حالی که دیگر جُلین‌ها صدها یا هزاران نفر عضو دارند و فقط اندکی (یعنی فقط تعداد بسیار کمی با هر اعتباری) مدعی دارا بودن میلیون‌ها عضوند.

۵. تعاریف عضویت

علاوه بر این، طیف گسترده‌ای از سطح عضویت در بین جُلین‌ها دیده می‌شود: اعضای کاملاً متعهدی (مانند راهب‌ها یا راهبه‌ها) که زندگی خود را وقف جنبش می‌کنند، در جامعه مربوط به جنبش زندگی می‌کنند و به‌کار تمام‌وقت برای جنبش می‌پردازند؛ اعضای وابسته (شبه به اعضای جماعت) که ممکن است به‌صورت هفتگی یا برای یک دوره برای عبادت به یک مرکز آیند و اعضای حامی (یا اعضای «اسمی») که ممکن است به‌طور کلی با اعتقادات و مناسک جُلین‌ها موافقت داشته باشد، اما زندگی آنها به‌طور گسترده یا عمیق تحت تأثیر وابستگی ثانوی خود قرار ندارد. در حالی که به دلیل برخی از اهداف، فقط اعضای متعهدند که مورد شمارش قرار می‌گیرند، در زمان‌های دیگر یا در جنبش‌های مختلف، می‌توان حتی کسانی را به شماره آورد که مدعی‌اند که با برخی از اعتقادات جنبش مورد نظر خود، به شکلی کلی، هم‌دلی نشان می‌دهند.

۶. شمارش مجدد

سردرگمی بیش‌تر ممکن است در نتیجه شمارش مجدد به وجود آید. این غیرممکن نیست - در واقع، در طیف جُلین‌ها هر چه به پایان عصر جدید حرکت می‌کنیم، این امر کاملاً رایج است - که افرادی هم‌زمان عضو متداخل دو جنبش باشند و با خوش‌حالی از یک جنبش «خود - دین»^۱ به جنبش دیگری روی آورند. البته به‌طور مثال، برای جویندگان متعهد در کالیفرنیا، آمستردام، یا هایگیت^۲ ناممکن است که بیست دقیقه از هر روز خود را قبل از شروع تمرین تای‌چی^۳ صرف مراقبه متعالی کنند و سپس روز دوشنبه در یک نشست هدایت (کانال کردن)^۴ شرکت کنند، در روز سه‌شنبه با کمک - مشاوره خود دیدار کنند، روز چهارشنبه در درس الکساندر^۵ حضور یابند، در روز پنج‌شنبه به تماشای ویدیوهای اُشو^۶

1. Self-Religion

2. Highgate

3. Tai Chi

4. Channelling

5. Alexander Lesson

6. Osho

بپردازند و در طول تعطیلات آخر هفته در یک سمینار تبادل نظر^۱ شرکت جویند. دو ماه بعد ممکن است آن‌ها را در حال خواندن نیایش هیر کریشنا^۲، اُم شانتی^۳، یا شاید نام میوهو رنګ کیو^۴ ببینید.^۵

۷. جابه‌جایی اعضا

علاوه‌براین، یکی دیگر از عوارض ظهور جُدن‌ها مسئلهٔ بغرنج نرخ بالای جابه‌جایی اعضای آن‌هاست. هم جنبش‌ها و هم مخالفان آن‌ها تمایل به برجسته‌ساختن این ویژگی بسیاری از جُدن‌های شناخته‌شده دارند. از یک‌سو، چند دین جدید مشتاق انتشار این واقعیت‌اند که تعداد قابل‌توجهی از اعضای آن‌ها به اهداف و خواسته‌های جنبش دست یافته‌اند و از سویی دیگر، ضدفرقه‌گرایانی که مشتاق دفاع از «نظریهٔ شست‌وشوی مغزی» هستند نمی‌خواهند به انتشار این واقعیت دست بزنند که «قربانیان» به خواست و ارادهٔ آزاد خود نه‌توانند به ترک بسیاری از جُدن‌هایی بپردازند که متهم به بهره‌گیری از فنون غیرقابل‌مقاومت و برگشت‌ناپذیر کنترل ذهن می‌شوند، بلکه درعمل به ترک آن‌ها دست می‌زنند.^۶

تاآن‌جا که به علایق کنونی ما مربوط می‌شود، این بدان معنی است که اغلب، این تعداد تعداد مردمی است که از یک جنبش عبور کرده‌اند نه اعضای فعلی که به‌شمارش درمی‌آیند. باتوجه‌به آشنایی ما با تعبیر «یک‌بار کاتولیک، همیشه کاتولیک»^۷، نباید تعجب کنیم که کلیسای سائیتولوژیست‌ها^۸ همهٔ کسانی را که در یکی از دوره‌های سائیتولوژی شرکت کرده‌اند، از اعضای خود به‌شمار آورده‌اند حتی اگر آن‌ها سال‌ها هیچ ارتباطی با جنبش نداشته باشند و احتمالاً حتی اگر آن‌ها از تندوتیزترین مخالفان جنبش شده باشند.

نمی‌توان انکار کرد که هیچ راهی وجود ندارد که بتوانیم دوره‌ای را (البته برای اهداف پژوهشی) در زمینهٔ است^۹ یا تبادل نظر^{۱۰} بگذرانیم و از طریق آن در زمینهٔ فرقهٔ مزبور نتوانیم فارغ‌التحصیل شویم. به این معنا - و اجازه دهید به‌اصرار فرض کنیم که فقط در این معنا - ضدفرقه‌گرایانی که در نتیجهٔ مشاهدهٔ مشارکت ما در این دوره‌ها اتهام «شمرده‌شدن» در بین اعضای فرقه را به ما می‌زنند، بدون شک، حق دارند.

۸. محیط فرقه‌ای

یکی از مسائلی که به‌هنگام ارزیابی ادیان جدید و بررسی دغدغه‌هایمان نسبت به آن‌ها باید در نظر آوریم - چیزی که درعین حال ما را نسبت به بخش «حائز اهمیت» این مطالعات سوق می‌دهد - مسئله‌ای است که کالین کمپبل^{۱۱} دربارهٔ آن به‌طور گسترده نوشته و از آن با عنوان محیط فرقه‌ای یاد کرده است.^{۱۲}

1. Forum Seminar

2. *Hare Krishna*

3. *Om Shanti*

4. *Nam Myoho Renge Kyo*

5. Barker, Eileen (1999), *New Religious Movements: Their Incidence and Significance*, In: Wilson, Bryan and Jamie Cresswell (eds.), *New Religious Movements: Challenge and Response*. Routledge, London, UK, p. 4.

6. Eileen Barker (1989), *New Religious Movements: A Practical Introduction*, London: HMSO, Fifth Impression With Amendments, 1995, pp. 104-105.

7. *Once a Catholic, Always a Catholic*

8. Church of Scientology

9. *Est*

10. Forum

11. Colin Campbell

12. Colin Campbell (1972), "The Cult, The Cultic Milieu and Secularization", in: Michael Hill (ed.), *Sociological Yearbook of Religion in Britain*, London: SCM Press, pp. 119-36.

یکی از ویژگی‌های جامعه مدرن که جامعه‌شناسان دین، از جمله دورکیم^۱، وبر^۲، و ویلسون^۳، بارها به آن اشاره کرده‌اند این است که دین سازمان‌یافته دیگر از آن نوع سلطه‌ای که در دوران گذشته بر نهادهای اجتماعی دارا بود برخوردار نیست. دین به‌طور فزاینده‌ای به اوقات فراغتی تبدیل شده است که ممکن است «خصوصی شده»، «فردی شده»، یا حتی به‌قول لاکمن^۴، «نامشهود» شده باشد. سازمان‌های دینی رایج از زیان‌های قابل توجه ناشی از فقدان عضویت در بسیاری از نقاط اروپا و در مورد برخی از فرقه‌ها - و نه همه آن‌ها - از فقدان شارحان و مفسران آن‌ها در ایالات متحده رنج زیادی را متحمل شده‌اند. همه کسانی که در مورد مواضع دینی مردم در جوامع جهانی، به‌ویژه جوامع غربی، به تحقیق پرداخته‌اند، همگی با این تعبیر مشهور کاملاً آشنا هستند: «برای یک مسیحی خوب بودن لازم نیست به کلیسا بروید».

در همین حال، ما به‌جای یک فرهنگ نسبتاً همگن، منسجم، و کم‌وبیش مشترک شاهد رشد پلورالیسم دینی، درهم‌آمیختگی با تغییرات اجتماعی متعدد مانند افزایش تحرک اجتماعی و جغرافیایی، حق رأی همگانی، آموزش و پرورش جهانی، و تجزیه ساختار شغلی سنتی، ارزش‌های سنتی و ساختارهای قدرت هستیم که همه می‌توانند به یک نارضایتی یا حداقل بازنگری نسبت به عقاید و اعمالی منجر شوند که به‌وسیله والدین یا دیگرانی که نقش قدرت را ایفا می‌کنند منتقل شده‌اند و در نتیجه، «اقتضای» بالقوه‌ای (در مفهوم اقتصادی) را برای راه‌های جای‌گزین تأمین نیازهای معنوی و دینی ایجاد کنند.

از حیث «عرضه»، اگرچه باید به یاد داشته باشیم که بسیاری از کلیساهای سنتی هنوز بیش از هریک از جُدن‌ها به عرضه دین برای مردم بیش‌تری می‌پردازند، باید توجه داشته باشیم که ما در حال گسترش فعالیت‌های تبلیغی و افزایش مهاجرت هستیم؛ عاملی که ملتون^۵ بارها به آن اشاره کرده است آسان‌بودن قوانین مهاجرتی ایالات متحده در سال ۱۹۶۵ است که به تعدادی از گوروها اجازه ورود به ایالات متحده داده و در نتیجه، باعث ترویج و رشد ادیان با ریشه‌های شرقی در آن‌جا شده است. البته همه این‌ها با توسعه شبکه رسانه‌ای جمعی (که از همه شیوه‌های تجهیز از جمله دستگاه‌های الکترونیکی، ماهواره‌ای، و اینترنت بهره برده است) همراه بوده که موجب تورم انواع منابع دینی در طیفی گسترده شده که در دست‌رس همه کسانی است که در این محیط فرهنگی مشارکت می‌کنند. انواع گوناگونی از عقاید را در این‌جا شاهدیم. بسیاری از این عقاید که از جنبش دینی نوظهور سرچشمه می‌گیرند، حامل آن‌ها هستند و به‌وسیله آن‌ها تقویت می‌شوند.

این امر به‌ویژه در تعدادی از عقاید عصر جدیدی مانند معنویت شخص - محور^۶ یا پتانسیل توسعه فردی^۷ آشکارا دیده می‌شود. در حالی که پنجاه سال پیش جز بخش بسیار کوچکی از مسیحیان به‌طور جدی به تناسخ عقیده نداشتند، نظرسنجی ارزش اروپایی^۸، برنامه بین‌المللی بررسی اجتماعی^۹، و چندین پروژه تحقیقاتی دیگر به ما می‌گویند که جمعیتی بین یک‌پنجم تا یک‌چهارم مردم اروپا و آمریکای شمالی اکنون بر این باورند که ما پس از ترک این بدن جسمانی فانی دوباره در قالب بدنی دیگر به این جهان باز خواهیم گشت. چنین عقیده‌ای از سوی ۲۴ درصد از اهالی انگلستان نیز

1. Durkheim

2. Weber

3. Wilson

4. Uckmann

5. Melton

6. Person-Centred Spirituality

7. Potential of Individual Development

8. European Value Surveys

9. International Social Survey Programme

گزارش شده است؛ هرچند باید به این نکته نیز توجه نشان داد که بسیاری از این پاسخ‌دهندگان اعتقاد به رستاخیز بدن در روز قیامت را نیز گزارش کرده‌اند؛ البته بین این دو اعتقاد ضرورتاً تضادی نیست؛ زیرا بسیاری از الهی‌دانانی که از تعالیم تئوسوفیانه^۱ نیز برخوردارند این دو اعتقاد را اساساً مکمل یکدیگر می‌دانند. آنچه قابل تردید است اثبات این امر است که ۲۴ درصد از مردم انگلستان دارای چنین اعتقاداتی باشند.

نکته‌ای که باید در این جا به آن اشاره کنیم این است که وقتی تلاش می‌کنیم ظهور یا اهمیت جُدن‌ها را به تصویر بکشیم، باید حداقل از وجود کسانی آگاه باشیم که عضو رسمی هیچ جُدن خاصی نیستند. هستند کسانی که ممکن است به هر نحوی با فرقه‌ای در ارتباط باشند، اما «پذیرنده» و حتی حامل عقاید و مناسک جُدن‌ها نیستند.

وقتی به این دسته از افرادی که بر اهمیت اجتماعی جنبش‌ها می‌افزایند توجه می‌کنیم ممکن است در وهله اول وجود اعضای رسانه‌ها را تشخیص دهیم که از عقاید جُدن‌ها استفاده می‌کنند، به ترویج آن‌ها می‌پردازند و در وهله دوم به وجود اعضای ادیان رایج پی می‌بریم که عقاید و مناسکی را اتخاذ کرده‌اند که از جُدن‌ها نشئت گرفته یا از طریق آن‌ها منتقل شده‌اند. در وهله سوم، از وجود مدیران و دیگر اعضای شاغل در شرکت‌های کسب‌وکار آگاه می‌شویم که به دوره‌هایی دعوت یا شرکت داده می‌شوند که آزادانه با عقاید و مناسک جُدن‌ها آغشته شده‌اند. و در وهله چهارم، اعضای جنبش ضدفرقه هستند که چنین نقش مهمی را در ترویج ویژگی‌های سطح بالایی که جُدن‌های خاص و اعضای آن‌ها در سه دهه گذشته به آن‌ها دست یافته‌اند، بازی کرده‌اند. درواقع، این اعضای جناح انجیلی جنبش ضدفرقه هستند که می‌توانند به گسترش قطعی عقاید و احتمالاً برخی از مناسک آیینی شیطان‌ی در آمریکای شمالی، غرب و شرق اروپا، استرالیا، و نقاط دیگر دنیا بپردازند.^۲

۹. تعمیم در مورد جُدن‌ها

کسی نمی‌تواند در مورد جُدن‌ها به تعمیم دست بزند. تنها چیز مشترکی که بین جُدن‌ها وجود دارد این است که همه آن‌ها را با برچسب جُدن یا فرقه می‌شناسند. جُدن‌ها از جهت ریشه‌ها، باورها، مناسک، سازمان‌دهی، رهبری، امور مالی، سبک زندگی، و نگرش خود که به زنان، کودکان، آموزش و پرورش، پرسش‌های اخلاقی، و بقیه جامعه مربوط می‌شود با یکدیگر متفاوت‌اند. تلاش برای گونه‌شناسی آن‌ها محدود شده است و حتی تفاوت‌هایی نسبتاً مفید (مانند تمایز روی والیس بین جنبش‌های دینی تأییدکننده جهان، انکارکننده جهان، و منطبق‌شونده با جهان^۳) نسبت به پیش‌بینی توأم با اطمینان آن دسته از ویژگی‌های تجربی که ممکن است به دنبال ویژگی‌های تعریف‌شده هر مقوله‌ای ظاهر شوند واقعاً به ما کمکی نمی‌کنند. مطمئناً هیچ چیز برای مطابقت با انواع ظریفی که برایان ویلسون برای فرقه‌های قدیمی‌تر عمدتاً مسیحی محور برمی‌شمرد، وجود ندارد.^۴ محدوده روزافزون جای‌گزین‌هایی از تمام گوشه‌وکنار جهان (از فلسفه‌های نسبتاً جدید همانند روان‌کاوی یا توسعه علم، نوآوری‌های الکترونیک و داستان‌های علمی-تخیلی و افزایش موارد رؤیت بشقاب‌پرنده‌ها و «برخورد عجیب‌وغریب از نوع سوم») مدل‌های شسته‌ورفته و پیش‌بینی‌پذیری به وجود آورده که تقریباً قبل از این‌که جوهر قلم نویسندگان آن‌ها خشک شود یا چاپ‌گر لیزری عقاید نویسندگان آن‌ها را روی کاغذ بیاورد تاریخشان گذشته است.

باوجوداین، بسیاری از رسانه‌ها و شماری قابل توجه از مردم هم‌چنان به فراهم‌ساختن فهرستی از ویژگی‌های جُدن‌ها به‌عنوان دیوانگان جنسی خطرناک، تحریف‌کننده، بهره‌کش، و فریبده می‌پردازند یا با ارائه تصاویری از آن‌ها که به‌جای

1. Theosophical

2. See James T. Richardson, Joel Best and David Bromley (1991), *The Satanism Scare*, New York: De Gruyter.

3. Roy Wallis (1983), *The Elementary Forms of the New Religious Life*, London: Routledge and Kegan Paul.

4. Bryan R. Wilson (1970), *Religious Sects: A Sociological Study*, London: Weidenfeld.